

محلات منطقه‌ها

بالا خیابان، پایین خیابان

«خانه خوانی» اول، زیر سقف فیروزه‌ای انجام شد

نگاه معمارانه به خانه تاریخی بلخاسب



محله گردی



و گفت: در نظر داریم که در برنامه «خانه خوانی»، از چند منظر به بررسی خانه‌ها بپردازیم؛ از خاطرات اهل همان خانه بشنویم و از نظر معماری و ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی به تماشای خانه بنشینیم. نگاه معمارانه در خانه خوانی از طرفی به سازه و سبک ساختن آن توجه دارد و از سوی دیگر، از جزئیات معمارانه‌ای خواهد گفت که سازنده ارتباط میان یک خانه ایرانی و اهالی آن بایکدیگر است.

چراغ روشن زندگی در خانه

خانه بلخاسب در محله پایین خیابان است و به گفته کارشناسان، احتمالاً در چند دوره محل زندگی خانواده‌های تاجر یهودی بوده است. علی‌اکبر بلخاسب در سال ۱۳۲۰ این خانه را خرید و اکنون غلامرضا بلخاسب، از نوادگان آن مرحوم، صاحب خانه و کسی است که در سال‌های گذشته برای سرپانگه داشتن و نجات دادن این خانه از چنگال بلدوزرها تلاش‌های فراوانی کرده است. آنچه این خانه را از دیگر خانه‌های تاریخی مشهد متمایز می‌کند، این است که زندگی در خانه بلخاسب هنوز جریان دارد.

سکینه تاجی‌ادر چند دهه گذشته به مکان‌های تاریخی مشهد بی‌مهری شده است و در سایه غفلت و بی‌توجهی مردم و مسئولان رو به ویرانی و تخریب رفته‌اند. اما هنوز می‌توان جاهایی را جست که با داشتن گرد و غبار دل‌چسب قدمت، مشتاقان و علاقه‌مندان به تاریخ و هویت شهر را به سوی خود می‌کشند.

خانه «بلخاسب» یکی از این مکان‌هاست؛ خانه‌ای که از چند جهت دارای ویژگی‌های منحصر به فرد است. شناخت و مواجهه‌ای عمیق با خانه‌های تاریخی مشهد، از دریچه‌ای نو و بانگاهی متفاوت، یکی از جدیدترین فعالیت‌های مکتب بافت است. «خانه خوانی» عنوان برنامه‌ای است که در اولین اجرا، خانه بلخاسب را برای خواندن انتخاب کرد.

این خانه را ببین و بشنو و بخوان

مجتبی گیوه‌چی، مدیر تسهیل‌گری و مشارکت شرکت عمران و مسکن، در توضیح برنامه «خانه خوانی»، آن را شیوه‌ای نو در خوانش و گفت‌وگو با هسته مرکزی محلات کهن مشهد یعنی «خانه» دانست

● هم‌نشینی هنر و تاریخ
حمید ذوقی، کارشناس معماری مکتب بافت، معماری این بنا را مربوط به نیمه دوم قاجار دانست و گفت: بنادر یک جبهه مربوط به دوره قاجار و در بخش دیگر، احتمالاً مربوط به دوره صفوی است. بنابراین می‌توانیم این ساختمان را هم‌زمان متعلق به دو دوره تاریخی بدانیم. از تزیینات بخش قدیمی تر بنا، فقط یک طاق زیبای گچ‌کاری باقی مانده است و در نمای ساختمان اصلی دیوارهایی پوشیده شده با آجر مهری و آجرکاری معقلی به چشم می‌خورد. زیباترین بخش نمای خانه سنتوری‌های زیبای بالای پنجره‌ها و ستاره‌های هشت‌پر است که داخل آن‌ها هنر کاشی‌کاری معرق به ظرافت انجام شده است. برنامه بعدی خانه خوانی دوشنبه ۵ آذر در خانه شکیبا، کوچه جوادیه برگزار می‌شود.

بامحسن کاشفیان که یکی از معدود بازمانده‌های کوچه محراب خان است

زمین فوتبال سه متری

نجمه موسوی کاهانی از وقتی چشم باز کرده، در کوچه محراب خان زندگی می‌کرده و همیشه حسرت دور شدن از هم‌بازی‌های کودکی‌اش را دارد. محسن کاشفیان با اندوه از خراب شدن خانه‌های قدیمی می‌گوید و از همسایه‌هایشان با افسوس یاد می‌کند. کنار درخت توت تنومند می‌ایستد و می‌گوید: همه این زمین‌های خالی که پارکینگ شده است، قبلاً خانه بود و همسایه‌هایمان در آن‌ها زندگی می‌کردند. همین درخت توت، وسط حیاط دبستان دخترانه مادرعالیه بود. می‌خندد و می‌گوید: اسم مدرسه رانمی‌دانم، چون ما پسران نباید دوروبر آن می‌پلکیدیم؛ فقط می‌دانم مدیر مدرسه یکی از همسایه‌ها بود به اسم مادرعالیه.

محله گردی

کوچه محراب خان



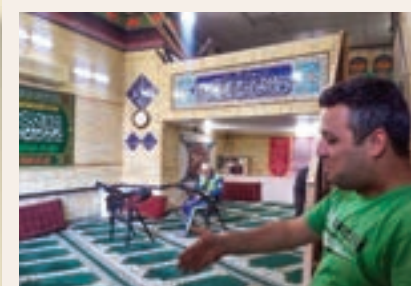
عکس: نجمه موسوی کاهانی / شهرآرا



اینجا را می‌گفتند خانه آقای مدیر؛ فامیلش منتجی بود، اما همه او را به اسم آقای مدیر می‌شناختند. مرد خوش اخلاق و منضبطی بود که هر وقت می‌دید داخل کوچه فوتبال بازی می‌کنیم، کمی مکث می‌کرد تا توپ اوت شود و بعد در می‌شد تا بازی مان را خراب نکند.



اینجا خانه مولود خانم بود و کنارش خانه حاج حسین شایع دغانویس. خیلی‌ها از راه دور می‌آمدند دعا بگیرند. ما بچه‌ها از این دو خانه ترسناک فراری بودیم. الان هر دو خراب شده‌اند. خانه اختر خانم و آقای صراطی هم که زمانی خانه اعیانی محله بود، الان مخروبه است، افتاده در راسته کوچه.



یاد همسایه‌های قدیمی به خیر، همیشه زن‌ها همه بیرون می‌نشستند و ما هم بازی می‌کردیم. آن زمان خودرو نبود، زوار هم فقط تابستان می‌آمدند. آن وقت‌ها با بچه محل‌ها می‌آمدیم مسجد زمین‌العابدین. من مکبر بودم. این مسجد کوچک آن موقع به نظرم خیلی بزرگ بود و موقع تکبیر نماز با همه توانم داد می‌زدم.